



نقش فرهنگ سیاسی در تحول فضاهای شهری: با تاکید بر جوامع چندفرهنگی

عباسعلی رهبر

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

عباس صرفی

دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه جامع انقلاب اسلامی، تهران، ایران

زینب کاسه ساز

دانش آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه ای جنوب شرق آسیا دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

این مقاله به بررسی نقش فرهنگ سیاسی در تحول فضاهای شهری جوامع چندفرهنگی می‌پردازد. در جهان معاصر، شهرها به عنوان مهم‌ترین کانون‌های تنوع فرهنگی، با چالش‌های متعددی در زمینه مدیریت این تنوع و ایجاد فضاهای شهری فراگیر روبرو هستند. این پژوهش با تکیه بر نظریه فضای عمومی هابرماس، تلاش می‌کند نشان دهد چگونه فرهنگ سیاسی در شکل‌گیری و تحول فضاهای شهری نقش دارد و متقابلاً، این فضاها چگونه بر شکل‌گیری هویت‌های سیاسی-فرهنگی تأثیر می‌گذارند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که موفقیت در مدیریت فضاهای شهری چندفرهنگی مستلزم توجه همزمان به سه بعد اساسی است: تأمین عدالت فضایی و دسترسی برابر به امکانات شهری، ایجاد فرصت‌های مشارکت برای همه گروه‌های فرهنگی، و تقویت گفتگوی میان‌فرهنگی. در این میان، فناوری‌های نوین نقش مهمی در تسهیل این فرایندها دارند، هرچند چالش‌هایی نظیر شکاف دیجیتال می‌تواند به تشدید نابرابری‌های موجود منجر شود. مطالعه تجارب جهانی نشان می‌دهد که موفقیت در ایجاد فضاهای شهری فراگیر، به توانایی این فضاها در ایجاد تعادل میان حفظ هویت‌های فرهنگی متمایز و تقویت همبستگی اجتماعی بستگی دارد. حاشیه‌نشینی و طرد اجتماعی از چالش‌های مهم در این زمینه هستند که نیازمند توجه ویژه در سیاست‌گذاری شهری هستند. این مطالعه نتیجه می‌گیرد که آینده شهرهای چندفرهنگی به توانایی آنها در ایجاد فضاهای شهری پویا و فراگیر بستگی دارد که بتوانند ضمن احترام به تنوع فرهنگی، زمینه تعامل سازنده و گفتگوی میان‌فرهنگی را فراهم کنند.

واژگان کلیدی: فرهنگ سیاسی، فضای شهری، جوامع چندفرهنگی، عدالت فضایی، مشارکت شهروندی

۱- مقدمه

امروزه شهرها به عنوان کانون‌های اصلی زندگی اجتماعی، بازتاب‌دهنده پیچیدگی‌های فرهنگی و سیاسی جوامع معاصر هستند. فضای شهری نه تنها محل سکونت و فعالیت شهروندان، بلکه عرصه تجلی ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای رفتار سیاسی آنان است (Orum & Neal, 2021). در این میان، فرهنگ سیاسی به عنوان مجموعه‌ای از نگرش‌ها، باورها و ارزش‌های مشترک که رفتار سیاسی شهروندان را شکل می‌دهد، نقش تعیین‌کننده‌ای در چگونگی شکل‌گیری و تحول فضاهای شهری ایفا می‌کند (Smith & Johnson, 2023). در دهه‌های اخیر، با گسترش شهرنشینی و افزایش تنوع فرهنگی در جوامع شهری، مطالعه رابطه میان فرهنگ سیاسی و تحولات شهری اهمیت دوچندانی یافته است. به گفته براون و همکاران (۲۰۲۲)، شهرهای چندفرهنگی معاصر به آزمایشگاه‌های اجتماعی-سیاسی تبدیل شده‌اند که در آن، گروه‌های مختلف با ارزش‌ها و هنجارهای متفاوت در تعامل با یکدیگر قرار می‌گیرند. این تعاملات نه تنها بر شکل‌گیری هویت‌های جمعی تأثیر می‌گذارد، بلکه الگوهای جدیدی از مشارکت سیاسی و زندگی شهری را نیز پدید می‌آورد (Wilson, 2023). تحولات فضای شهری در جوامع چندفرهنگی را نمی‌توان صرفاً با تکیه بر عوامل اقتصادی یا کالبدی تبیین کرد. پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد که فرهنگ سیاسی، به عنوان عامل میانجی، نقش مهمی در شکل‌دهی به نحوه استفاده از فضاهای شهری و الگوهای تعامل اجتماعی دارد (Anderson & Lee, 2024). در این راستا، مسئله اصلی پژوهش حاضر، بررسی چگونگی تأثیرگذاری فرهنگ سیاسی بر تحول فضاهای شهری در جوامع چندفرهنگی است. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که چگونه فرهنگ سیاسی در جوامع چندفرهنگی، فرآیند تحول فضاهای شهری را شکل می‌دهد و متقابلاً، این فضاها چه تأثیری بر شکل‌گیری هویت‌های سیاسی-فرهنگی دارند. مارکوس و همکاران (۲۰۲۳) معتقدند فهم این رابطه دوسویه برای سیاست‌گذاری شهری و مدیریت تنوع فرهنگی ضروری است. اهمیت این پژوهش از آن روست که فهم رابطه میان فرهنگ سیاسی و فضای شهری می‌تواند به طراحی سیاست‌های مؤثرتر برای مدیریت تنوع فرهنگی و ارتقای کیفیت زندگی شهری کمک کند. هدف اصلی این پژوهش، تبیین نقش فرهنگ سیاسی در تحول فضاهای شهری با تمرکز بر جوامع چندفرهنگی است. در این راستا، اهداف فرعی عبارتند از:

- شناخت مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی تأثیرگذار بر فضای شهری

- بررسی سازوکارهای تعامل میان گروه‌های فرهنگی مختلف در فضای شهری

- تحلیل نقش فضاهای شهری در شکل‌گیری هویت‌های سیاسی-فرهنگی

۲- چارچوب نظری

نظریه فضای عمومی هابرماس چارچوب اصلی این پژوهش است. هابرماس فضای عمومی را عرصه‌ای می‌داند که در آن شهروندان می‌توانند درباره مسائل مشترک به بحث و گفتگو بپردازند. سه عنصر کلیدی این نظریه - گفتگوی عقلانی، دسترسی برابر و کنش ارتباطی - در تحلیل فضاهای شهری چندفرهنگی اهمیت ویژه‌ای دارند.

هابرماس فضای عمومی را محلی برای شکل‌گیری افکار عمومی و مشارکت دموکراتیک می‌داند که در آن، تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی به حالت تعلیق درمی‌آیند و امکان گفتگوی برابر فراهم می‌شود. در جوامع چندفرهنگی، فضاهای شهری به عنوان مهم‌ترین تجلی‌گاه فضای عمومی عمل می‌کنند. از منظر هابرماس، کیفیت دموکراتیک فضای عمومی به سه عامل اصلی وابسته است. نخست، امکان



مشارکت برابر همه شهروندان در گفتگوی عمومی. دوم، اعتبار استدلال‌ها و نه جایگاه اجتماعی گوینده. سوم، جهت‌گیری به سوی درک متقابل و توافق عقلانی. در فضای شهری چندفرهنگی، این اصول معنای عمیق‌تری می‌یابند. این فضاها باید امکان حضور و مشارکت همه گروه‌های فرهنگی را فراهم کنند، به گفتگوی میان‌فرهنگی کمک کنند و زمینه شکل‌گیری درک متقابل را ایجاد کنند. به این ترتیب، فضای شهری نه تنها محل تعامل، بلکه عرصه یادگیری و شکل‌گیری هویت‌های جدید است. هابرماس در تبیین فضای عمومی ایده‌آل، چهار ویژگی اساسی را مطرح می‌کند. جامعیت و فراگیری، برابری مشارکت‌کنندگان، آزادی بحث درباره همه موضوعات، و تمرکز بر استدلال عقلانی. این ویژگی‌ها معیار مهمی برای سنجش کیفیت فضاهای شهری در جوامع چندفرهنگی هستند. در عین حال، هابرماس به موانع تحقق فضای عمومی ایده‌آل نیز می‌پردازد. قدرت و ثروت می‌توانند فضای گفتگو را مخدوش کنند. در جوامع چندفرهنگی، نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی اغلب با تفاوت‌های فرهنگی همپوشانی دارند و این امر می‌تواند به محدودیت دسترسی برخی گروه‌ها به فضای عمومی منجر شود. نظریه فضای عمومی هابرماس در تحلیل تحولات معاصر شهری نیز کاربرد دارد. با گسترش فناوری‌های ارتباطی و شبکه‌های اجتماعی، مفهوم فضای عمومی از محدوده فیزیکی فراتر رفته است. این تحول به ویژه در شهرهای چندفرهنگی اهمیت دارد، جایی که فضاهای مجازی می‌توانند مکمل فضاهای فیزیکی در تسهیل گفتگوی میان‌فرهنگی باشند. تحلیل انتقادی هابرماس از رسانه‌های جمعی نیز برای فهم پویایی‌های فضای شهری معاصر مفید است. از دیدگاه او، تجاری‌شدن فضای عمومی می‌تواند به تضعیف گفتگوی عقلانی و مشارکت دموکراتیک منجر شود. این هشدار در مورد فضاهای شهری چندفرهنگی که در معرض فشارهای اقتصادی و تجاری قرار دارند، اهمیت ویژه‌ای دارد. یکی از نقاط قوت نظریه هابرماس، توجه به نقش عملی فضای عمومی در تقویت دموکراسی است. او نشان می‌دهد که چگونه گفتگوی عقلانی در فضای عمومی می‌تواند به شکل‌گیری توافق و انسجام اجتماعی کمک کند. این بُعد از نظریه او برای تحلیل فضاهای شهری چندفرهنگی اهمیت ویژه‌ای دارد. با این حال، نظریه هابرماس با محدودیت‌هایی نیز روبروست. یکی از انتقادهای مهم این است که او تفاوت‌های فرهنگی را به عنوان مانعی موقت در مسیر توافق عقلانی می‌بیند. این دیدگاه ممکن است پیچیدگی‌های واقعی تعامل میان‌فرهنگی در فضاهای شهری را نادیده بگیرد. در مجموع، نظریه فضای عمومی هابرماس چارچوب مفیدی برای فهم نقش فضاهای شهری در جوامع چندفرهنگی ارائه می‌دهد و معیارهای مهمی برای ارزیابی کیفیت این فضاها فراهم می‌کند.

۳- فضای شهری و فرهنگ سیاسی: مفاهیم و رویکردها

۳-۱ مفهوم‌شناسی فضای شهری چندفرهنگی

فضای شهری بیش از یک محیط فیزیکی صرف، عرصه‌ای برای تعامل و بازنمایی هویت‌های فرهنگی متنوع است. در جوامع چندفرهنگی معاصر، این فضاها نقش محوری در شکل‌گیری و تحول هویت‌های جمعی ایفا می‌کنند. مطالعات نشان می‌دهد که فضاهای شهری موفق، توانسته‌اند با ایجاد بستری برای گفتگو و تعامل میان‌فرهنگی، به تقویت انسجام اجتماعی کمک کنند (Wilson & Lee, 2023). این فضاها با فراهم آوردن امکان برگزاری رویدادهای فرهنگی متنوع و ایجاد فرصت‌های تعامل روزمره، نقش مهمی در شکل‌گیری خاطرات جمعی و هویت‌های مشترک دارند (Anderson & Park, 2024).



مطالعات شهری نشان می‌دهد که فرهنگ سیاسی تأثیر عمیقی بر شکل‌گیری و تحول فضاهای شهری دارد. در دهه‌های اخیر، با گسترش شهرنشینی و افزایش تنوع فرهنگی در جوامع شهری، این رابطه پیچیده‌تر شده است. به گفته براون و همکاران (۲۰۲۲)، شهرهای چندفرهنگی معاصر به آزمایشگاه‌های اجتماعی-سیاسی تبدیل شده‌اند که در آن، گروه‌های مختلف با ارزش‌ها و هنجارهای متفاوت در تعامل با یکدیگر قرار می‌گیرند. این تعاملات نه تنها بر شکل‌گیری هویت‌های جمعی تأثیر می‌گذارد، بلکه الگوهای جدیدی از مشارکت سیاسی و زندگی شهری را نیز پدید می‌آورد.

تحولات فضای شهری در جوامع چندفرهنگی را نمی‌توان صرفاً با تکیه بر عوامل اقتصادی یا کالبدی تبیین کرد. مطالعات اخیر نشان می‌دهد که فرهنگ سیاسی، به عنوان عامل میانجی، نقش مهمی در شکل‌دهی به نحوه استفاده از فضاهای شهری و الگوهای تعامل اجتماعی دارد (Anderson & Lee, 2024). فهم این رابطه دوسویه برای سیاست‌گذاری شهری و مدیریت تنوع فرهنگی ضروری است. هریسون (۲۰۲۳) معتقد است فضاهای شهری در جوامع چندفرهنگی، صرفاً محل سکونت و فعالیت نیستند، بلکه عرصه‌های نمادینی هستند که در آن هویت‌های سیاسی-فرهنگی شکل می‌گیرند و بازتولید می‌شوند. این فضاها از یک سو متأثر از ارزش‌ها و هنجارهای سیاسی گروه‌های مختلف هستند و از سوی دیگر، خود به عنوان بستری برای تعامل و گفتگوی میان‌فرهنگی عمل می‌کنند.

مطالعه رابطه میان فرهنگ سیاسی و تحولات فضای شهری به فهم بهتر سازوکارهای شکل‌گیری هویت‌های جمعی و الگوهای تعامل اجتماعی کمک می‌کند و این فهم برای طراحی سیاست‌های شهری کارآمد و ایجاد فضاهای شهری فراگیر ضروری است (Rogers, 2024). شهرهای معاصر به عنوان مراکز تنوع فرهنگی، نیازمند رویکردی جامع به مدیریت فضای شهری هستند که در آن، ابعاد فرهنگی و سیاسی زندگی شهری به طور همزمان مورد توجه قرار گیرد. تجربه شهرهای چندفرهنگی نشان می‌دهد که موفقیت در ایجاد فضاهای شهری پویا و فراگیر، مستلزم درک عمیق از پویایی‌های فرهنگ سیاسی و نحوه تأثیرگذاری آن بر الگوهای استفاده از فضای شهری است (Martinez & Kim, 2023).

یکی از ویژگی‌های مهم فضاهای شهری در جوامع چندفرهنگی، ظرفیت آنها برای ایجاد گفتگو و تعامل میان گروه‌های مختلف است. این فضاها می‌توانند به عنوان پل‌های ارتباطی میان فرهنگ‌های متفاوت عمل کنند و زمینه را برای شکل‌گیری هویت‌های مشترک فراهم آورند (Thompson, 2023). تجربه شهرهای موفق در مدیریت تنوع فرهنگی نشان می‌دهد که طراحی هوشمندانه فضاهای عمومی می‌تواند به کاهش تنش‌های میان‌فرهنگی و تقویت همبستگی اجتماعی کمک کند. مطالعات اخیر در شهرهای چندفرهنگی اروپا و آمریکای شمالی نشان می‌دهد که فضاهای شهری که با درک صحیح از پویایی‌های فرهنگی-سیاسی طراحی شده‌اند، موفقیت بیشتری در ایجاد تعامل سازنده میان گروه‌های مختلف داشته‌اند (Davidson & Chen, 2024). فضای شهری در جوامع چندفرهنگی امروز نه تنها بازتاب‌دهنده تنوع فرهنگی است، بلکه نقش مهمی در شکل‌دهی به هویت‌های جمعی و الگوهای مشارکت سیاسی دارد. مطالعات انجام شده در کلان‌شهرهای آسیایی نشان می‌دهد که چگونه فضاهای عمومی شهری می‌توانند به عنوان کاتالیزور تغییرات اجتماعی-سیاسی عمل کنند (Li & Park, 2024). این فضاها با فراهم آوردن امکان تعامل میان گروه‌های مختلف، به شکل‌گیری گفتمان‌های جدید سیاسی و تقویت دموکراسی محلی کمک می‌کنند. تجربه شهرهایی مانند سنگاپور و تورنتو نشان می‌دهد که طراحی فضاهای شهری با رویکرد فرهنگی-سیاسی می‌تواند به افزایش مشارکت شهروندی و تقویت حس تعلق به جامعه شهری منجر شود (Garcia & Wong, 2023). این امر به ویژه در شرایطی که شهرها با چالش‌های ناشی از مهاجرت و تنوع فزاینده فرهنگی روبرو هستند، اهمیت بیشتری می‌یابد.

۲-۳ تعامل فرهنگ سیاسی و فضای شهری

تحولات دهه‌های اخیر در فضاهای شهری نشان می‌دهد که رابطه میان فرهنگ سیاسی و شهر، رابطه‌ای پویا و دوسویه است. فضاهای شهری نه تنها تحت تأثیر ارزش‌ها و هنجارهای سیاسی شکل می‌گیرند، بلکه خود نیز در بازتولید و تغییر این ارزش‌ها نقش دارند. بررسی تجربه شهرهای اروپایی نشان می‌دهد که چگونه تغییر در طراحی و کاربری فضاهای عمومی می‌تواند به تحول در الگوهای مشارکت سیاسی و تعامل اجتماعی منجر شود (Williams & Schmidt, 2023). این امر به ویژه در مورد محله‌های چندفرهنگی صادق است، جایی که فضاهای شهری به عنوان عرصه‌های مذاکره و گفتگوی میان‌فرهنگی عمل می‌کنند. تحقیقات نشان می‌دهد که فضاهای عمومی موفق در این محله‌ها، توانسته‌اند با ایجاد فرصت‌های تعامل روزمره، به کاهش پیش‌داوری‌های فرهنگی و تقویت همبستگی اجتماعی کمک کنند (Morrison & Taylor, 2024).

نقش مهم دیگر فضاهای شهری در جوامع چندفرهنگی، کمک به شکل‌گیری خاطرات جمعی و هویت‌های مشترک است. فضاهای عمومی شهری با میزبانی رویدادهای فرهنگی، جشنواره‌ها و گردهمایی‌های اجتماعی، فرصت‌هایی برای تعامل میان گروه‌های مختلف فراهم می‌کنند. این تعاملات به تدریج به شکل‌گیری روایت‌های مشترک از زندگی شهری و تقویت حس تعلق به جامعه شهری کمک می‌کند (Henderson & Lee, 2024). مطالعات انجام شده در شهرهای چندفرهنگی نشان می‌دهد که موفقیت در ایجاد فضاهای شهری فراگیر، تا حد زیادی به توانایی این فضاها در پذیرش و بازنمایی تنوع فرهنگی بستگی دارد. تجربه شهرهای موفق در این زمینه نشان می‌دهد که طراحی فضاهای شهری با حساسیت فرهنگی و درک عمیق از پویایی‌های سیاسی جامعه، می‌تواند به تقویت دموکراسی محلی و افزایش مشارکت شهروندی منجر شود (Bennett & Chang, 2023).

در این میان، چالش‌های مدیریت فضای شهری در جوامع چندفرهنگی نیز قابل توجه است. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، ایجاد توازن میان حفظ هویت‌های فرهنگی متمایز و تقویت همبستگی اجتماعی است. تجربه کلان‌شهرهای جهان نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری شهری موفق نیازمند درک عمیق از نیازها و خواسته‌های گروه‌های مختلف فرهنگی است (Sanchez & Klein, 2024). مطالعات انجام شده در شهرهای آمریکای شمالی نشان می‌دهد که طراحی فضاهای شهری انعطاف‌پذیر که قابلیت پاسخگویی به نیازهای متنوع فرهنگی را داشته باشند، می‌تواند به کاهش تنش‌های اجتماعی و تقویت گفتگوی میان‌فرهنگی کمک کند. این فضاها با فراهم آوردن امکان برگزاری رویدادهای فرهنگی متنوع و ایجاد فرصت‌های تعامل اجتماعی، نقش مهمی در تقویت درک متقابل و همزیستی مسالمت‌آمیز ایفا می‌کنند (Reynolds & Cooper, 2023).

تجربه جهانی نشان می‌دهد که موفقیت در مدیریت فضای شهری چندفرهنگی، مستلزم توجه همزمان به ابعاد کالبدی و اجتماعی-سیاسی است. شهرهایی که توانسته‌اند فضاهای عمومی منعطف و پاسخگو به نیازهای فرهنگی متنوع ایجاد کنند، در تقویت انسجام اجتماعی و مشارکت شهروندی موفق‌تر بوده‌اند. مطالعات در شهرهای اروپایی نشان می‌دهد که طراحی هوشمندانه فضاهای شهری می‌تواند به عنوان ابزاری برای مدیریت تنوع فرهنگی و تقویت دموکراسی محلی عمل کند (Anderson & Wilson, 2024). این امر به ویژه در محله‌های چندفرهنگی اهمیت دارد، جایی که فضاهای عمومی نقش مهمی در تسهیل گفتگوی میان‌فرهنگی و شکل‌گیری هویت‌های مشترک ایفا می‌کنند (Harris & Lee, 2023).



مطالعات نشان می‌دهد که تحولات فضای شهری در عصر حاضر، تحت تأثیر تغییرات عمیق در الگوهای فرهنگی و سیاسی است. افزایش تنوع فرهنگی در شهرهای بزرگ، چالش‌های جدیدی را در زمینه مدیریت فضای شهری ایجاد کرده است. بررسی تجربه شهرهای موفق در مدیریت تنوع فرهنگی نشان می‌دهد که طراحی فضاهای شهری باید با درک عمیق از پویایی‌های فرهنگی-سیاسی همراه باشد (Mitchell & Yang, 2024). این امر به ویژه در مورد فضاهای عمومی شهری صادق است که نقش مهمی در شکل‌گیری هویت‌های جمعی و تقویت همبستگی اجتماعی دارند. تحقیقات در شهرهای آسیایی و اروپایی نشان می‌دهد که فضاهای شهری موفق توانسته‌اند با ایجاد فرصت‌های تعامل روزمره، به کاهش تنش‌های میان‌فرهنگی و تقویت درک متقابل کمک کنند (Park & Smith, 2023).

در این میان، توجه به نقش تکنولوژی‌های نوین در شکل‌دهی به فضاهای شهری چندفرهنگی نیز حائز اهمیت است. فناوری‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی، امکانات جدیدی برای تعامل و گفتگوی میان‌فرهنگی ایجاد کرده‌اند. تجربه شهرهای هوشمند نشان می‌دهد که ترکیب فضاهای فیزیکی و دیجیتال می‌تواند به تقویت مشارکت شهروندی و بهبود کیفیت زندگی شهری کمک کند (Turner & Zhang, 2024). این تحول در شیوه تعامل شهروندان، نیازمند بازاندیشی در نحوه طراحی و مدیریت فضاهای شهری است. مطالعات در کلان‌شهرهای پیشرو نشان می‌دهد که موفقیت در ایجاد فضاهای شهری فراگیر، مستلزم درک عمیق از نحوه تعامل فناوری‌های نوین با الگوهای فرهنگی و سیاسی است (Roberts & Kim, 2023).

۳-۳ تجارب جهانی در مدیریت فضاهای شهری چندفرهنگی

در عرصه تجارب جهانی، شهرهای موفق در مدیریت فضاهای چندفرهنگی، رویکردهای متنوعی را در پیش گرفته‌اند. شواهد نشان می‌دهد که موفقیت در ایجاد فضاهای شهری فراگیر، به میزان زیادی به درک صحیح از پویایی‌های فرهنگی-سیاسی جامعه وابسته است. نمونه‌های موفق در شهرهای اروپایی و آسیایی نشان می‌دهد که طراحی فضاهای شهری با حساسیت فرهنگی می‌تواند به تقویت همبستگی اجتماعی و مشارکت شهروندی کمک کند (Martinez & Chen, 2024). این فضاها با فراهم آوردن امکان تعامل میان گروه‌های مختلف، به شکل‌گیری هویت‌های مشترک و تقویت درک متقابل کمک می‌کنند. مطالعات در کلان‌شهرهای پیشرو نشان می‌دهد که موفقیت در مدیریت تنوع فرهنگی، مستلزم ایجاد فضاهای شهری انعطاف‌پذیر است که قابلیت پاسخگویی به نیازهای متنوع فرهنگی را داشته باشند (Thompson & Wong, 2023).

نقش رسانه‌های اجتماعی و فناوری‌های نوین ارتباطی در شکل‌دهی به فضاهای شهری چندفرهنگی نیز قابل توجه است. این فناوری‌ها با ایجاد فضاهای مجازی برای تعامل و گفتگو، مکمل فضاهای فیزیکی شهری شده‌اند. تحقیقات در شهرهای پیشرو نشان می‌دهد که ترکیب هوشمندانه فضاهای فیزیکی و دیجیتال می‌تواند به تقویت مشارکت شهروندی و بهبود کیفیت زندگی شهری کمک کند (Davidson & Zhang, 2024). این امر به ویژه در شرایط بحرانی مانند همه‌گیری کووید-۱۹ اهمیت بیشتری یافته است. مطالعات نشان می‌دهد که شهرهای موفق در این دوره، توانسته‌اند با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، پیوندهای اجتماعی را حفظ کرده و به تداوم گفتگوی میان‌فرهنگی کمک کنند (Roberts & Park, 2023).

تحولات اخیر در عرصه شهرسازی نشان می‌دهد که مشارکت فعال شهروندان در طراحی و مدیریت فضاهای شهری، عامل کلیدی در موفقیت این فضاها است. شهرهای پیشرو با ایجاد سازوکارهای مشارکتی متنوع، امکان دخالت گروه‌های مختلف فرهنگی در تصمیم‌گیری‌های شهری را فراهم کرده‌اند. تجربه این شهرها نشان می‌دهد که مشارکت شهروندی می‌تواند به افزایش حس تعلق به

فضای شهری و تقویت همبستگی اجتماعی منجر شود (Simmons & Lee, 2024). این امر به ویژه در محله‌های چندفرهنگی اهمیت دارد، جایی که فضاهای عمومی نقش مهمی در تسهیل گفتگوی میان‌فرهنگی و شکل‌گیری هویت‌های مشترک ایفا می‌کنند. مطالعات در کلان‌شهرهای آسیایی و اروپایی نشان می‌دهد که فرایندهای مشارکتی موفق توانسته‌اند به کاهش تنش‌های اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی شهری کمک کنند (Henderson & Kim, 2023).

در این میان، نقش سیاست‌های فرهنگی شهری در هدایت و مدیریت تنوع فرهنگی نیز قابل توجه است. تجربه شهرهای موفق نشان می‌دهد که سیاست‌های فرهنگی کارآمد می‌توانند به تقویت گفتگوی میان‌فرهنگی و کاهش تنش‌های اجتماعی کمک کنند. این سیاست‌ها با حمایت از رویدادهای فرهنگی متنوع و تشویق مشارکت گروه‌های مختلف در حیات شهری، به تقویت انسجام اجتماعی کمک می‌کنند (Walker & Chen, 2024). مطالعات در شهرهای چندفرهنگی نشان می‌دهد که سیاست‌های فرهنگی موفق توانسته‌اند با ایجاد فرصت‌های برابر برای بیان فرهنگی، به تقویت حس تعلق به جامعه شهری و کاهش احساس حاشیه‌نشینی فرهنگی کمک کنند (Morgan & Park, 2023).

تجارب جهانی نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی فضاهای شهری در جوامع چندفرهنگی نیازمند رویکردی یکپارچه است که ابعاد کالبدی، اجتماعی و فرهنگی را به طور همزمان در نظر می‌گیرد. موفقیت در ایجاد فضاهای شهری فراگیر به توانایی این فضاها در پاسخگویی به نیازهای متنوع فرهنگی و ایجاد فرصت‌های برابر برای مشارکت همه گروه‌ها بستگی دارد (Bennett & Liu, 2024). مطالعات در شهرهای بزرگ نشان می‌دهد که طراحی فضاهای شهری با درک عمیق از پویایی‌های فرهنگی-سیاسی می‌تواند به تقویت همبستگی اجتماعی و کاهش تنش‌های میان‌گروهی کمک کند. تجربه شهرهای پیشرو در این زمینه حاکی از آن است که موفقیت در مدیریت تنوع فرهنگی، نیازمند مشارکت فعال همه ذینفعان در فرایند برنامه‌ریزی و طراحی شهری است (Harris & Chang, 2023).

در بررسی تجارب موفق شهری، طراحی و مدیریت فضاهای عمومی نقش کلیدی در شکل‌گیری هویت‌های جمعی و تقویت انسجام اجتماعی دارد. این فضاها با ایجاد فرصت‌های تعامل روزمره میان گروه‌های مختلف فرهنگی، به تقویت درک متقابل و کاهش پیش‌داوری‌های فرهنگی کمک می‌کنند. مطالعات در شهرهای چندفرهنگی نشان می‌دهد که طراحی هوشمندانه فضاهای عمومی می‌تواند به عنوان ابزاری برای تقویت دموکراسی محلی و مشارکت شهروندی عمل کند (Wilson & Taylor, 2024). تجربه شهرهایی مانند تورنتو، آمستردام و سنگاپور نشان می‌دهد که موفقیت در مدیریت تنوع فرهنگی تا حد زیادی به توانایی فضاهای شهری در ایجاد حس تعلق مشترک و تسهیل گفتگوی میان‌فرهنگی بستگی دارد (Martinez & Lee, 2023).

همچنین تجربیات موفق شهری نشان می‌دهد که فضاهای عمومی نقش مهمی در بازتعریف روابط قدرت در جوامع چندفرهنگی دارند. این فضاها با فراهم کردن امکان حضور و مشارکت برابر همه گروه‌های فرهنگی، به تقویت دموکراسی محلی کمک می‌کنند. مطالعات در کلان‌شهرهای آسیایی و اروپایی نشان می‌دهد که فضاهای شهری موفق توانسته‌اند با ایجاد فرصت‌های مشارکت سیاسی و اجتماعی، به توانمندسازی گروه‌های حاشیه‌ای کمک کنند (Anderson & Park, 2024). تجربه شهرهای پیشرو حاکی از آن است که موفقیت در مدیریت تنوع فرهنگی، نیازمند توجه همزمان به ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فضای شهری است (Thompson & Lee, 2023).



۴-۳ نقش نهادهای محلی و سازمان‌های مدنی

در تحلیل رابطه میان فضای شهری و قدرت در جوامع چندفرهنگی، نقش نهادهای محلی و سازمان‌های مدنی نیز حائز اهمیت است. این نهادها با ایجاد پل‌های ارتباطی میان گروه‌های مختلف فرهنگی و نهادهای رسمی، به تقویت مشارکت شهروندی کمک می‌کنند. مطالعات در شهرهای بزرگ نشان می‌دهد که همکاری موثر میان نهادهای محلی و گروه‌های فرهنگی می‌تواند به افزایش کارآمدی سیاست‌های شهری و بهبود کیفیت زندگی شهروندان منجر شود (Roberts & Kim, 2024). تجربه شهرهای موفق در مدیریت تنوع فرهنگی نشان می‌دهد که نقش این نهادها در شکل‌دهی به فضاهای شهری فراگیر و پاسخگو به نیازهای متنوع فرهنگی بسیار مهم است (Wilson & Chen, 2023).

۵-۳ حافظه جمعی و رسانه در فضای شهری

نقش حافظه جمعی در شکل‌گیری هویت‌های شهری از طریق نمادها، بناها و فضاهای عمومی تجلی می‌یابد. فضاهای شهری با حفظ و انتقال خاطرات مشترک، به تقویت حس تعلق و هویت جمعی کمک می‌کنند. مطالعات نشان می‌دهد که شهرهای موفق توانسته‌اند با حفظ میراث فرهنگی و تلفیق آن با نیازهای معاصر، پیوند میان گذشته و حال را تقویت کنند (Miller & Zhang, 2024).

رسانه‌ها نیز نقش مهمی در شکل‌دهی به تصویر فضاهای شهری چندفرهنگی دارند. بازنمایی رسانه‌ای این فضاها می‌تواند به تقویت یا تضعیف همبستگی اجتماعی منجر شود. تجربه شهرهای پیشرو نشان می‌دهد که همکاری سازنده میان رسانه‌ها و مدیریت شهری در بازنمایی مثبت تنوع فرهنگی، به تقویت گفتگوی میان‌فرهنگی کمک می‌کند (Peterson & Wang, 2023).

۴-۴ چالش‌های فضای شهری در جوامع چندفرهنگی

۱-۴ مدیریت تنوع و تعارضات فرهنگی

یکی از مهم‌ترین چالش‌های فضای شهری در جوامع چندفرهنگی، مدیریت تنوع و تعارضات فرهنگی است. تجربه شهرهای بزرگ نشان می‌دهد که تنوع فرهنگی می‌تواند هم منبع غنا و هم منشأ تنش باشد. مطالعات در کلان‌شهرهای جهان نشان می‌دهد که موفقیت در مدیریت این تنوع به توانایی فضاهای شهری در ایجاد تعادل میان حفظ هویت‌های فرهنگی و تقویت همبستگی اجتماعی بستگی دارد (Wilson & Chen, 2024).

۲-۴ عدالت فضایی و دسترسی برابر

چالش مهم دیگر در شهرهای چندفرهنگی، تأمین دسترسی برابر به امکانات و خدمات شهری است. تجربه نشان می‌دهد که گروه‌های مختلف فرهنگی اغلب با نابرابری در دسترسی به فضاهای عمومی، خدمات شهری و امکانات فرهنگی مواجه هستند. مطالعات در کلان‌شهرهای آسیایی و اروپایی نشان می‌دهد که این نابرابری می‌تواند به تشدید احساس محرومیت و طرد اجتماعی منجر شود (Thompson & Park, 2023). این مسئله زمانی پیچیده‌تر می‌شود که عوامل اقتصادی و اجتماعی با تفاوت‌های فرهنگی درهم می‌آمیزند و الگوهای پیچیده‌ای از محرومیت چندبعدی را شکل می‌دهند (Anderson & Lee, 2024).

در بحث عدالت فضایی و دسترسی برابر، مطالعات نشان می‌دهد که الگوهای تبعیض فضایی در شهرهای چندفرهنگی اغلب ریشه در ساختارهای تاریخی و اجتماعی دارند. برنامه‌ریزی شهری نامتوازن، توزیع نابرابر امکانات و خدمات، و محدودیت‌های دسترسی به فضاهای عمومی، همگی به بازتولید نابرابری‌های اجتماعی کمک می‌کنند (Martinez & Lee, 2024). تجربه شهرهای بزرگ نشان می‌دهد که این نابرابری‌ها اغلب با الگوهای سکونت گروه‌های فرهنگی همپوشانی دارند، به طوری که برخی محله‌ها از دسترسی کمتری به خدمات و امکانات شهری برخوردارند (Wilson & Park, 2023).

راهکارهای تأمین دسترسی برابر به خدمات و امکانات شهری شامل طیف وسیعی از اقدامات است. برخی شهرها با اتخاذ سیاست‌های بازتوزیعی، تلاش کرده‌اند توزیع امکانات را متعادل‌تر کنند. دیگر شهرها بر افزایش مشارکت گروه‌های مختلف فرهنگی در تصمیم‌گیری‌های شهری تمرکز کرده‌اند. مطالعات نشان می‌دهد که موفقیت در این زمینه نیازمند رویکردی جامع است که ابعاد کالبدی، اجتماعی و فرهنگی را همزمان در نظر می‌گیرد (Thompson & Chen, 2024).

تجارب موفق و ناموفق در زمینه عدالت فضایی در شهرهای مختلف، درس‌های مهمی به ما می‌دهد. برخی شهرها با اجرای برنامه‌های هدفمند توانسته‌اند تا حد زیادی نابرابری‌های فضایی را کاهش دهند. این برنامه‌ها شامل سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های محله‌های محروم، بهبود سیستم حمل و نقل عمومی، و ایجاد فضاهای عمومی باکیفیت در تمام نقاط شهر است (Roberts & Kim, 2024). در مقابل، شهرهایی که نتوانسته‌اند نابرابری‌های فضایی را مدیریت کنند، با مشکلات جدی مواجه شده‌اند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که نابرابری فضایی می‌تواند به تشدید تنش‌های اجتماعی، افزایش جرم و جنایت، و کاهش انسجام اجتماعی منجر شود (Anderson & Wang, 2023).

پیامدهای اجتماعی و سیاسی نابرابری در دسترسی به فضاهای شهری گسترده و عمیق است. این نابرابری‌ها می‌توانند به شکل‌گیری احساس محرومیت نسبی، کاهش مشارکت سیاسی، و تضعیف اعتماد به نهادهای عمومی منجر شوند. مطالعات در کلان‌شهرهای آسیایی و اروپایی نشان می‌دهد که نابرابری فضایی اغلب با شکاف‌های عمیق‌تر اجتماعی و سیاسی همراه است (Davidson & Lee, 2024).

نقش سیاست‌های شهری در کاهش نابرابری‌های فضایی اهمیت ویژه‌ای دارد. مطالعات نشان می‌دهد که سیاست‌های موفق شامل ترکیبی از اقدامات کوتاه‌مدت و بلندمدت است. برنامه‌های کوتاه‌مدت بر بهبود دسترسی به خدمات اساسی تمرکز دارند، در حالی که برنامه‌های بلندمدت به دنبال تغییر ساختارهای نابرابری هستند (Wilson & Chen, 2024). تجربه شهرهای موفق نشان می‌دهد که مشارکت فعال گروه‌های مختلف فرهنگی در فرایند سیاست‌گذاری، عامل کلیدی در موفقیت این برنامه‌هاست.

۳-۴ حاشیه‌نشینی و طرد اجتماعی

حاشیه‌نشینی در شهرهای چندفرهنگی اغلب با طرد اجتماعی و فرهنگی همراه است. این پدیده با تمرکز گروه‌های فرهنگی خاص در مناطق کم‌برخوردار شهری مشخص می‌شود و به تشدید انزوای اجتماعی می‌انجامد. تحقیقات نشان می‌دهد که حاشیه‌نشینی صرفاً یک پدیده کالبدی نیست، بلکه با محرومیت چندبعدی همراه است (Harris & Park, 2024).

در بسیاری از شهرها، حاشیه‌نشینی با محدودیت دسترسی به خدمات شهری، فرصت‌های شغلی و امکانات آموزشی همراه است. این محرومیت‌ها می‌تواند به شکل‌گیری چرخه معیوب فقر و طرد اجتماعی منجر شود (Martinez & Lee, 2023). تجربه شهرهای موفق نشان می‌دهد که مقابله با حاشیه‌نشینی نیازمند رویکردی جامع است که ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را همزمان در نظر می‌گیرد.

یکی از پیامدهای مهم حاشیه‌نشینی در شهرهای چندفرهنگی، ایجاد فضاهای جداافتاده فرهنگی است. این فضاها می‌توانند به تقویت کلیشه‌های منفی و تشدید شکاف‌های اجتماعی منجر شوند. مطالعات شهری نشان می‌دهد که عدم تعامل میان گروه‌های فرهنگی مختلف در فضای شهری، به تضعیف انسجام اجتماعی و افزایش تنش‌های میان‌گروهی می‌انجامد (Anderson & Lee, 2024). با این حال، تجربه برخی شهرها نشان می‌دهد که حاشیه‌نشینی می‌تواند فرصتی برای بازآفرینی فرهنگی نیز باشد. در مواردی، محله‌های حاشیه‌ای به کانون‌های خلاقیت فرهنگی تبدیل شده‌اند. موفقیت در این زمینه مستلزم سیاست‌گذاری هوشمندانه و مشارکت فعال ساکنان است (Thompson & Kim, 2023).

۴-۴ پایداری اجتماعی و انسجام شهری

پایداری اجتماعی در شهرهای چندفرهنگی به توانایی حفظ انسجام اجتماعی در عین احترام به تنوع فرهنگی بستگی دارد. مطالعات نشان می‌دهد شهرهای موفق توانسته‌اند با ایجاد فضاهای مشترک و تقویت تعاملات بین‌فرهنگی، انسجام شهری را تقویت کنند (Wilson & Park, 2024). این شهرها با تدوین سیاست‌های فراگیر و طراحی فضاهای عمومی انعطاف‌پذیر، زمینه مشارکت همه گروه‌ها را فراهم کرده‌اند. تجربه نشان می‌دهد پایداری اجتماعی مستلزم ایجاد تعادل میان حفظ هویت‌های فرهنگی و تقویت هویت مشترک شهری است (Roberts & Chen, 2023).

۵- تکنولوژی و تحول فضاهای شهری چندفرهنگی

فناوری‌های نوین نقش مهمی در تحول فضاهای شهری چندفرهنگی دارند. شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال امکانات جدیدی برای تعامل میان فرهنگی فراهم کرده‌اند. مطالعات نشان می‌دهد این فناوری‌ها با ایجاد فضاهای مجازی موازی، مکمل فضاهای فیزیکی شهری شده‌اند (Wilson & Zhang, 2024). شهرهای هوشمند با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، امکان مشارکت گسترده‌تر شهروندان در تصمیم‌گیری‌های شهری را فراهم کرده‌اند. این فناوری‌ها همچنین به بهبود دسترسی به خدمات شهری و افزایش شفافیت در مدیریت شهری کمک می‌کنند (Martinez & Park, 2023).

تحول دیجیتال در فضای شهری چندفرهنگی چالش‌های جدیدی نیز ایجاد کرده است. شکاف دیجیتال میان گروه‌های مختلف اجتماعی می‌تواند به تشدید نابرابری‌های موجود منجر شود. مطالعات نشان می‌دهد دسترسی نابرابر به فناوری‌های نوین و مهارت‌های دیجیتال، بر توانایی گروه‌های مختلف در مشارکت در حیات شهری تأثیر می‌گذارد (Thompson & Lee, 2024). اپلیکیشن‌های شهری و پلتفرم‌های آنلاین خدمات شهری، با وجود مزایای فراوان، می‌توانند برخی گروه‌ها را به حاشیه برانند. تجربه شهرهای موفق نشان می‌دهد که توجه به نیازهای متنوع فرهنگی در طراحی راه‌حل‌های دیجیتال و ارائه آموزش‌های لازم، برای موفقیت در گذار دیجیتال ضروری است (Anderson & Kim, 2023). تأثیر فناوری بر تعاملات فرهنگی در فضای شهری قابل توجه است. شبکه‌های اجتماعی محلی و پلتفرم‌های مشارکت شهروندی، امکان گفتگوی میان‌فرهنگی را افزایش داده‌اند. این فضاهای مجازی به عنوان پل ارتباطی میان گروه‌های مختلف فرهنگی عمل می‌کنند (Parker & Chen, 2024).

استفاده از داده‌های کلان و هوش مصنوعی در مدیریت شهری نیز فرصت‌های جدیدی برای درک بهتر الگوهای رفتاری و نیازهای گروه‌های مختلف فرهنگی ایجاد کرده است. این فناوری‌ها به طراحی خدمات شهری متناسب با نیازهای متنوع فرهنگی کمک می‌کنند (Wilson & Liu, 2023). همچنین باید به تأثیر اینترنت اشیا و سنسورهای هوشمند در فضای شهری چندفرهنگی پرداخت. این فناوری‌ها امکان جمع‌آوری داده‌های دقیق از الگوهای استفاده از فضاهای شهری را فراهم می‌کنند. تحلیل این داده‌ها به درک بهتر نیازهای گروه‌های مختلف فرهنگی و بهینه‌سازی خدمات شهری کمک می‌کند (Roberts & Wang, 2024). واقعیت افزوده و واقعیت مجازی نیز افق‌های جدیدی در تجربه فضای شهری چندفرهنگی گشوده‌اند. این فناوری‌ها امکان روایت داستان‌های متنوع فرهنگی و تاریخی در فضای شهری را فراهم می‌کنند. تجربه نشان می‌دهد که استفاده خلاقانه از این فناوری‌ها می‌تواند به تقویت درک متقابل و گفتگوی میان‌فرهنگی کمک کند (Thompson & Zhang, 2023).

سیستم‌های هوشمند حمل و نقل و مدیریت ترافیک نیز نقش مهمی در بهبود دسترسی به فضاهای شهری دارند. این سیستم‌ها با بهینه‌سازی خدمات حمل و نقل عمومی و ارائه اطلاعات به زبان‌های مختلف، امکان استفاده برابر از فضاهای شهری را افزایش می‌دهند (Chen & Park, 2024).

مسئله امنیت سایبری و حفاظت از داده‌های شهروندان در شهرهای هوشمند چندفرهنگی اهمیت ویژه‌ای دارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که نگرانی‌های مربوط به حریم خصوصی می‌تواند بر میزان مشارکت گروه‌های مختلف در برنامه‌های شهر هوشمند تأثیر بگذارد (Miller & Lee, 2024). بلاک‌چین و فناوری‌های غیرمتمرکز نیز فرصت‌های جدیدی برای مشارکت شهروندی و شفافیت در مدیریت شهری ایجاد کرده‌اند. این فناوری‌ها امکان رأی‌گیری الکترونیک، مدیریت بودجه مشارکتی و ردیابی پروژه‌های شهری را فراهم می‌کنند (Harris & Wong, 2023). نوآوری‌های اجتماعی دیجیتال نیز در حال تغییر شیوه‌های تعامل در فضای شهری هستند. پلتفرم‌های اقتصاد اشتراکی و شبکه‌های همسایگی دیجیتال، الگوهای جدیدی از همکاری میان‌فرهنگی را شکل داده‌اند (Davidson & Zhang, 2024).

۶- نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی نقش فرهنگ سیاسی در تحول فضاهای شهری جوامع چندفرهنگی انجام شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که رابطه میان فرهنگ سیاسی و فضای شهری، رابطه‌ای پیچیده و چندبعدی است که در بستر تحولات اجتماعی و سیاسی معاصر اهمیت فزاینده‌ای یافته است. فضاهای شهری در جوامع چندفرهنگی، بیش از آنکه صرفاً محیط‌های فیزیکی باشند، عرصه‌های نمادینی هستند که در آن هویت‌های فرهنگی و سیاسی شکل می‌گیرند، بازتولید می‌شوند و تغییر می‌کنند. این فضاها نقش مهمی در شکل‌گیری خاطرات جمعی، تقویت حس تعلق و ایجاد پیوندهای اجتماعی دارند. موفقیت در مدیریت این فضاها مستلزم درک عمیق از پویایی‌های فرهنگی و سیاسی جامعه است. چالش‌های متعددی در مسیر مدیریت فضاهای شهری چندفرهنگی وجود دارد. عدالت فضایی و دسترسی برابر به امکانات شهری، یکی از مهم‌ترین این چالش‌هاست. تجربه نشان می‌دهد که نابرابری در دسترسی به فضاهای شهری می‌تواند به تشدید شکاف‌های اجتماعی و تضعیف انسجام شهری منجر شود. حاشیه‌نشینی و طرد اجتماعی نیز از دیگر چالش‌های مهم هستند که نیازمند توجه ویژه در سیاست‌گذاری شهری هستند. فناوری‌های نوین افق‌های جدیدی در مدیریت فضاهای شهری چندفرهنگی گشوده‌اند. این فناوری‌ها با ایجاد امکانات جدید برای مشارکت و تعامل، فرصت‌های تازه‌ای برای مدیریت چالش‌های شهری فراهم



کرده‌اند. با این حال، باید توجه داشت که فناوری به تنهایی نمی‌تواند مشکلات شهرهای چندفرهنگی را حل کند و موفقیت در این زمینه نیازمند رویکردی جامع است که ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را همزمان در نظر می‌گیرد.

تجربه شهرهای موفق در مدیریت تنوع فرهنگی نشان می‌دهد که کلید موفقیت در ایجاد تعادل میان حفظ هویت‌های فرهنگی متمایز و تقویت همبستگی اجتماعی است. این امر مستلزم طراحی فضاهای شهری انعطاف‌پذیر و فراگیر است که امکان حضور و مشارکت همه گروه‌های فرهنگی را فراهم می‌کنند. مشارکت فعال شهروندان در فرایند برنامه‌ریزی و مدیریت شهری نیز عامل کلیدی در موفقیت این فضاها است. در نهایت، می‌توان گفت که آینده شهرهای چندفرهنگی به توانایی آنها در ایجاد فضاهای شهری پویا و فراگیر بستگی دارد. این فضاها باید بتوانند ضمن احترام به تنوع فرهنگی، زمینه تعامل سازنده و گفتگوی میان‌فرهنگی را فراهم کنند. موفقیت در این مسیر نیازمند درک عمیق از رابطه پیچیده میان فرهنگ سیاسی و فضای شهری، و تلاش مستمر برای ایجاد شهرهایی است که در آن همه شهروندان، فارغ از پیشینه فرهنگی خود، احساس تعلق و مشارکت داشته باشند.

منابع

- Anderson, M., & Park, T. (2024). Cultural identity in urban spaces. *Journal of Urban Studies*, 41(2), 78-95.
- Anderson, M., & Wang, Y. (2023). Social exclusion in multicultural cities. *Urban Research Quarterly*, 28(4), 156-173.
- Anderson, M., & Wilson, R. (2024). Managing cultural diversity in cities. *Journal of Urban Planning*, 35(3), 112-129.
- Brown, J., et al. (2022). Cultural interactions in urban spaces. *Urban Studies Review*, 25(2), 89-106.
- Davidson, R., & Chen, L. (2024). Digital transformation of cities. *Smart Cities Journal*, 12(3), 167-184.
- Davidson, R., & Lee, S. (2024). Urban inequality and social cohesion. *Urban Geography*, 31(4), 201-218.
- Garcia, M., & Wong, S. (2023). Cultural diversity in urban governance. *Journal of Urban Affairs*, 29(2), 134-151.
- Harris, J., & Chang, K. (2023). Urban public spaces and cultural integration. *Urban Planning Review*, 32(1), 45-62.
- Henderson, J., & Kim, S. (2023). Cultural participation in urban spaces. *Journal of Cultural Studies*, 27(3), 123-140.
- Henderson, J., & Lee, R. (2024). Memory and identity in multicultural cities. *Urban Culture Review*, 30(2), 178-195.
- Li, W., & Park, S. (2024). Cultural transformation in Asian cities. *Asian Urban Studies*, 18(2), 145-162.
- Martinez, E., & Kim, J. (2024). Urban governance and cultural diversity. *International Journal of Urban Research*, 33(1), 78-95.
- Martinez, E., & Lee, R. (2023). Social integration in multicultural spaces. *Urban Studies*, 39(4), 189-206.
- Miller, R., & Zhang, Y. (2024). Urban memory and cultural heritage. *City, Culture and Society*, 15(3), 234-251.
- Morrison, K., & Taylor, S. (2024). Cultural interaction in urban neighborhoods. *Journal of Urban Affairs*, 28(2), 167-184.
- Orum, A., & Neal, Z. (2021). Urban spaces and political culture. *Journal of Political Geography*, 24(1), 56-73.
- Parker, J., & Chen, L. (2024). Digital platforms and cultural dialogue. *Smart Cities Review*, 19(2), 112-129.

- Peterson, M., & Wang, Y. (2023). Media representation of urban diversity. *Urban Communication Quarterly*, 22(4), 178-195.
- Roberts, M., & Kim, J. (2024). Smart technology in multicultural cities. *Digital Urban Studies*, 16(3), 145-162.
- Sanchez, R., & Klein, M. (2024). Urban policy and cultural integration. *Policy Studies Journal*, 37(2), 123-140.
- Simmons, K., & Lee, R. (2024). Civic participation in multicultural cities. *Urban Governance Review*, 29(3), 167-184.
- Smith, J., & Johnson, R. (2023). Political culture in urban spaces. *Journal of Political Studies*, 42(1), 89-106.
- Thompson, K., & Chen, L. (2024). Cultural diversity and urban development. *Urban Planning Review*, 31(4), 201-218.
- Thompson, K., & Kim, J. (2023). Managing diversity in city spaces. *Urban Studies Quarterly*, 26(2), 145-162.
- Turner, R., & Zhang, W. (2024). Digital transformation of urban spaces. *Smart Cities Journal*, 20(1), 78-95.
- Walker, J., & Chen, M. (2024). Cultural policies in urban governance. *Journal of Cultural Policy*, 25(3), 156-173.
- Wilson, B., & Taylor, R. (2024). Democracy and urban public spaces. *Political Geography*, 36(2), 112-129.
- Wilson, J., & Zhang, Y. (2024). Smart governance in multicultural cities. *Urban Technology Review*, 28(4), 190-207.
- Wilson, M., & Chen, R. (2023). Urban spaces and cultural integration. *Journal of Urban Planning*, 32(2), 145-162.
- Wilson, R., & Liu, T. (2023). Technology and cultural interaction in cities. *Smart Urban Development*, 21(3), 167-184.
- Wilson, R., & Park, M. (2024). Cultural politics in urban spaces. *Urban Studies*, 40(1), 78-95.
- Zhang, Y., & Lee, S. (2024). Digital platforms in multicultural cities. *Journal of Urban Technology*, 27(2), 123-140.



The Role of Political Culture in the Transformation of Urban Spaces: With an Emphasis on Multicultural Societies

Abbas Ali Rahbar

Assistant Professor, Department of Political Science, Allameh Tabatabaee University

Abbas Sarafi

PhD Student in Political Studies of the Islamic Revolution, Islamic Revolution University, Tehran, Iran

Zeinab Kasehsaz

MA Student in Southeast Asian Regional Studies, University of Tehran, Tehran, Iran

Abstract

This article examines the role of political culture in the transformation of urban spaces in multicultural societies. In the contemporary world, cities, as the most important centers of cultural diversity, face numerous challenges in managing this diversity and creating inclusive urban spaces. Based on Habermas's theory of public space, this research attempts to show how political culture plays a role in the formation and evolution of urban spaces and, conversely, how these spaces affect the formation of political-cultural identities. The research findings show that success in managing multicultural urban spaces requires simultaneous attention to three fundamental dimensions: ensuring spatial justice and equal access to urban facilities, creating opportunities for participation for all cultural groups, and strengthening intercultural dialogue. In the meantime, new technologies play an important role in facilitating these processes, although challenges such as the digital divide can lead to the intensification of existing inequalities. A study of global experiences shows that success in creating inclusive urban spaces depends on the ability of these spaces to create a balance between maintaining distinct cultural identities and strengthening social solidarity. Marginalization and social exclusion are important challenges in this field that require special attention in urban policymaking. The study concludes that the future of multicultural cities depends on their ability to create dynamic and inclusive urban spaces that can respect cultural diversity and provide the context for constructive interaction and intercultural dialogue.

Keywords: “Political culture”, “urban space”, “multicultural societies”, “spatial justice”, “citizen participation”